فهرست

[اشاره 1](#_Toc28467827)

[روایت چهارم از طایفه دوم: 1](#_Toc28467828)

[نکات روایت: 2](#_Toc28467829)

بسم‌الله الرحمن الرحیم

# موضوع: اصول / تجری / ادله حرمت تجری

# اشاره

عرض شد در بحث نیت سوء در نیت اعمال غیر صالح که شامل تجری می‌شود چند طایفه روایات داریم. به دلیل اینکه بحث از اهمیتی برخوردار است به دلیل اینکه مرحله‌ای را پشت سر گذاشتیم به نظر آمد بسط بیشتر در بحث مناسب است. در تقسیم و طبقه‌بندی روایات گفتیم چند طایفه روایات در این بحث داریم. طایفه اول این بود که اطلاق آن‌ها شامل نیات سوء هم می‌شد. روایتی که می‌گوید ان الله یحشر الناس علی نیاتهم یوم القیامه هم نیات خیر را می‌گیرد هم نیات شر و سوء را دربرمی گرد. روایاتی است که می‌گوید عقاب بر نیات سوء وجود دارد. در اینجا چهار روایت را ذکر کردیم. روایت من اسر سریره روایت چهارم بود.

# روایت چهارم از طایفه دوم:

پنجمین روایت حدیث یک از باب هفت مقدمه العبادات:

1-[[1]](#footnote-1) مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فِي حَدِيثٍ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص كَانَ يَقُولُ‏ مَنْ أَسَرَّ سَرِيرَةً رَدَّاهُ اللَّهُ رِدَاهَا إِنْ خَيْراً فَخَيْرٌ وَ إِنْ شَرّاً فَشَرٌّ.[[2]](#footnote-2)

کامل این حدیث درباب 11 حدیث 5 آمده است. کاملش هم بد نیست.

[[3]](#footnote-3) وَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ قَالَ: إِنِّي لَأَتَعَشَّى مَعَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع إِذْ تَلَا هَذِهِ الْآيَةَ بَلِ الْإِنْسانُ عَلى‏ نَفْسِهِ بَصِيرَةٌ وَ لَوْ أَلْقى‏ مَعاذِيرَهُ‏[[4]](#footnote-4)- ثُمَّ قَالَ‏[[5]](#footnote-5) مَا يَصْنَعُ الْإِنْسَانُ أَنْ يَتَقَرَّبَ‏[[6]](#footnote-6) إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ بِخِلَافِ مَا يَعْلَمُ اللَّهُ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص كَانَ يَقُولُ مَنْ أَسَرَّ سَرِيرَةً رَدَّاهُ اللَّهُ رِدَاهَا إِنْ خَيْراً فَخَيْراً وَ إِنْ شَرّاً فَشَرّاً[[7]](#footnote-7).[[8]](#footnote-8)

خیلی جاها انسان توجیهاتی برای کارهایش می‌کند؛ اما آیه می‌گوید وجدان انسان می‌فهمد عذرها حرف است و اشتباه است. ذیل آیه انسان ادامه روایت را خواندند. ما در مایصنع یا نافیه است یا سؤالیه. در آیه هم تأکیداتی در آیه است. اولاً انسان می‌گوید کاری به مؤمن و صالح ندارد. انسان بما هو انسان وجدان حاکمی دارد ولو خیلی وجدانش کدر شده باشد. بصیره آمده با تاء که تای مبالغه است؛ یعنی خوب آشناست. بصیره هم که گفته شده بعضی گفتند اعضا و جوارح اشراب شده است یعنی اعضا و جوارح او آگاه‌اند. لذا گفته بصیره؛ یعنی همه اعضا و جوارح این آگاهی را دارند. لو القی معاذیره هم ممکن است بگوییم فقط دنیاست یا آخرت است یا هردو. در دنیا عذر آورده است ولی در آخرت هم می‌فهمد. این بحث‌هایی است که در آیه است نمی‌خواهیم وارد تفسیر آیه شویم. آیه قبلش **﴿يُنَبَّؤُا الْإِنْسانُ يَوْمَئِذٍ بِما قَدَّمَ وَ أَخَّر﴾[[9]](#footnote-9)** یعنی خبر داده می‌شود به انسان که چه کرده است بعد ترقی می‌کند بلکه خود انسان می‌داند.

در روایت ذیل آن متصل به آیه کرد. انسان صد عذر هم بیاورد آخر خودش می‌فهمد عذر دارد. در قیامت هم خود او شهادت می‌دهد. ذیلش هم حدیث پیامبر را می‌گوید. «مَنْ أَسَرَّ سَرِيرَةً رَدَّاهُ اللَّهُ رِدَاهَا».

ظاهراً سند معتبر است؛ اما نکاتی در روایت هست:

# نکات روایت:

نکته اول: روایت به شکل کان یقول است. پس نکات از استحکام بیشتری برخوردار خواهد شد.

نکته دوم: اسر سریره یعنی چه؟ چند مصداق را می‌توانیم برشماریم و ببینیم آیه همه را می‌گیرد یا بعضی را؟

1. منظور عقاید و افکار درونی باشد. کفر و ایمان و این‌طور چیزها که نوعی سریره است. این نیت العمل نیست بلکه باوری است که ذاتاً باطنی است گرچه آثار و تبعاتی دارد مثل علم که ذاتاً باطنی است احیاناً در ظاهر هم بروز می‌کند.
2. سریره عبارت است از مجموعه‌ای از اوصاف که به شکل واضح‌تری در اعمال ظهور پیدا می‌کنند اما بازهم از امور درونی‌اند. مثل بخل و تمام رذائل و فضائل در کتب اخلاق گفته می‌شود.
3. نیت العمل مراد است که امری درونی است ولی کاملاً در رابطه با عمل است. تصمیم گرفته کاری را انجام دهد ضرب یا قتل. نیتی است که مقدمه عمل است. غیر از دو مورد دیگر است که امری درونی است که می‌تواند در عمل هم بروز کند اما به طور دقیق ناظر به عمل خاص نیست اما نیات اعمال واحد باطنی است که کاملاً معطوف به عمل خاص است. این رده‌هایی بود که در سریره می‌گفتیم.

اولین سؤال این است که منظور از من اسر سریره کدام یک از این سه تاست؟ فقط عقاید است؟ اگر تقیه کند خوبی معلوم خواهد شد اگر نفاق داشته باشد بدی او هم معلوم می‌شود یعنی روزی در ظاهر او بروز می‌کند. یا اینکه خلقیات را هم می‌گیرد؟ یکی بخیل است یکی سخی یکی ترسو یکی شجاع این‌ها روزی ظاهر می‌شود. قسم سوم اینکه بگوییم شامل نیات الاعمال هم می‌شود. ممکن است کسی بگوید سریره همه این‌ها را می‌گیرد بعید نیست اطلاقش همه این‌ها راهم بگیرد. اسر سریره یعنی هم فکر و عقیده هم اخلاق هم نیات خوب و بد که یکی از آن‌ها هم در تجری است. بلکه می‌شود گفت سریره امور عملی که ظهور هم پیدا کرده اما مال خلوت طرف است آن را هم می‌گیرد چون این سه قسم و امثال آن‌ها سرائر انسان است به معنای اینکه امر جوارحی و کاملاً درونی است اما وقتی به اعمال جوارحی برسیم دو قسم است یک عمل جوارحی که من میدانم و خدای من و یک اعمال جوارحی داریم که در جامعه هم بروز پیدا کرده. من اسر سریره ممکن است قسم اول را هم شامل شود. مرحوم حر عاملی ذیل حدیث هفت فرموده‌اند اقول هذا شامل للنیه والعمل؛ یعنی نیت هم مشمول روایت است؛ یعنی عمل مخفیانه و عملی که در سر کسی از آن مطلع نیست. در استعمالات قرآنی و لغوی هم گاهی سر به آن اطلاق می‌شود. اگر آن را بگوییم ممکن است سر آن را هم در بربگیرد. من اسر سریره یعنی:

1. کسی که افکار و عقایدی در درون دارد.
2. کسی که خلقیات و اوصاف روحی درونی دارد
3. عزم و اراده و تصمیم و نیات باطنی دارد.
4. اعمال مخفی.

در روایت داریم صدقه السر اقول. واقعاً صدقه داده ولی کسی مطلع نشده است حتی گاهی گیرنده صدقه هم مطلع نشده مثلاً پولی به صندوق کمیته امداد مخفیانه انداخت. ممکن است کسی بگوید هر چهار قسم را می‌گیرد ممکن است بگوید سه قسم اول را می‌گیرد ممکن است کسی بگوید نیات را هم نمی‌گیرد مخصوص اوصاف باطنی است.

سؤال:...

جواب: آیه می‌گوید **﴿يَوْمَ تُبْلَى السَّرائِر﴾[[10]](#footnote-10)** سرائر معمولاً می‌گویند. سریره یکی از آن‌ها همان اعمالی است که شخص انجام داده است آن هم تبلی است. به ذهن من هم می‌آمد که کسی ممکن است بگوید اسر سریره ترکیب اسر و سریره نوعی قرینه است که سریره یعنی کاملاً امر باطنی که سه قسم اول است و عمل مخفی را نمی‌گیرد ولی وجهی ندارد سریره می‌تواند آن را هم بگیرد. درعین‌حال ممکن است کسی ادعا کند که سریره فقط امر باطنی است.

سؤال:...

جواب: دو فرق ممکن است بگوییم یکی اینکه شاکله دیگر کاملاً وصف شخصیت است. از نظر لغوی اسر سریره شامل هم نیات می‌شود هم عمل مخفی اما اینکه بگوییم فقط وصف باطنی است بعید است ظاهرش اطلاق است.

سؤال:...

جواب: همان اخلاق و عقیده و تصمیم و اراده است. آن قدر متیقن است.

سؤال:...

جواب: ممکن است آنجا بگوییم عطف تفسیری نیست. نیت سریره را جدا کرده.

حال احتمالاتی است که در اسر سریره است. عقاید و اخلاقیات. یا عقاید و اخلاقیات یا نیات اعمال یا عقاید و اخلاقیات و نیات اعمال و اعمال مخفی. بعید نیست همه را بگیرد. سریره شامل نیات هم می‌شود اگر شامل شود به بحث ما ربط دارد. ممکن است بگوییم عمل را نمی‌گیرد چون محل بحث است علاوه بر آن نکته‌ای که در ادامه آمده «رَدَّاهُ اللَّهُ رِدَاهَا» عمل ظاهر شده‌ای که دیگران از آن اطلاع ندارند رداه الله رداها آن را ممکن است بگوییم نمی‌گیرد. حال بعداً باید معنا کنیم. این نکته دوم بود.

نکته سوم: «رَدَّاهُ اللَّهُ رِدَاهَا» است. اینکه می‌گوید بر او لباس سرش می‌پوشاند یعنی از درون بیرون می‌آید. لباس امر ظاهر شخص است. آن امر درونی‌اش لباس آشکار او می‌شود آنچه را پنهان داشت آشکار می‌شود. در این رداه الله رداها در این رداه الله رداها چند احتمال است:

1. در همین دنیا باطن او آشکار می‌شود. روایت داریم که «مَا أَضْمَرَ أَحَدٌ شَيْئاً إِلَّا ظَهَرَ فِي فَلَتَاتِ لِسَانِهِ وَ صَفَحَاتِ وَجْهِه‏»[[11]](#footnote-11). این مضمون در روایات دیگری هم ممکن است آمده باشد. شاید منظور این روایت همین مطلب باشد؛ یعنی امور درونی روزی آشکار می‌شود. خوبی و بدی روزی معلوم می‌شود. تقیه می‌کند معلوم می‌شود اخلاق سخاوت یا بخل دارد روزی ظاهر می‌شود. یا نیات سوئی دارد روزی ظهور پیدا می‌کند. اگر این باشد کاری به ثواب و عقاب ندارد می‌گوید در همین دنیا ظهور و بروز پیدا می‌کند.
2. مقصود این باشد که در ماوراء این عالم و قیامت این‌ها مکشوف می‌شود و آنچه را که انسان مخفی نگه می‌دارد تبلی السرائر می‌شود. مؤمن یا کافر بود سخی یا بخیل بود. نیت شر یا سوء داشت. یا اعمالی هم که کسی نمی‌داند آن روز بروز و ظهور پیدا می‌کند.
3. مقصود ثواب عقاب باشد. کسی که چیزهایی را در نهان دارد از نیات خیر یا سوء یا ایمان و کفر یا خلقیات این‌ها را رداه الله رداها یعنی نتیجه او را به او می‌دهد ثواب یا عقاب را به او می‌دهد.

سؤال:...

جواب: مکشوف می‌شود در روز قیامت. احتمال دوم بالتبع ممکن است ثواب و عقابی داشته باشد ممکن است نداشته باشد. چیزهایی ظهور و بروز در قیامت پیدا می‌کند اما ممکن است مکروه باشد. خود آن‌ها هم عذابی است. ممکن است ظهور و بروز پیدا می‌کند اما به جهنم نمی‌رود. ممکن است نوعی ملازمه هم باشد بین ظهور در قیامت و ثواب و عقاب اما احتمال سوم مدلول مطابقی‌اش همین ثواب و عقاب است بر خلاف دوم که بالملازمه ثواب و عقاب را شاید برساند.

1. ممکن است کسی بگوید همه این‌هاست؛ یعنی هم در دنیا طوری ظهور پیدا می‌کند هم در قیامت هم ثواب و عقاب را می‌دهد؛ زیرا رداه الله رداها مطلق است. حال به شکل مدلول مطابقی یا التزامی. بعید نیست این اطلاق را در روایت کسی بپذیرد.

اگر به نقل کامل روایت مراجعه کنیم احتمال دوم و سوم را تقویت می‌کند احتمال اول خیلی ضعیف است. رداه الله رداها یعنی ترتیب آثار می‌دهد بل الانسان علی نفسه بصیره یعنی در قیامت شهادت می‌دهد و ثواب و عقاب برایش مترتب می‌شود. این روایت هم ذیل آن آیه آمده بود. لذا بعید نیست بگوییم رداه الله رداها یعنی خدا ثواب و عقاب می‌دهد. بعید نیست با توجه به اینکه اطلاق اولی را نسبت به نیات بپذیریم و رداه هم بگوییم ثواب و عقاب است حال یا بالملازمه یا بالتضمن یا بالالتزام. پس این روایت می‌تواند دلیل شود بر طایفه دوم برای ترتب عقاب بر نیات با این دو مقدمه که گفتیم:

1. سریره شامل نیات اعمال هم می‌شود.
2. رداه الله رداها می‌گوید عقاب و ثواب می‌دهیم حال یا بالملازمه یا بالتضمن یا بالالتزام.

بعید نیست این دو مقدمه درست باشد لذا این دلیل می‌شود چهارمین دلیل در این طایفه دوم.

1. - الكافي 2- 294- 6 و الكافي 296- 15 و أورده بتمامه في الحديث 5 من الباب 11 من أبواب مقدّمة العبادات. [↑](#footnote-ref-1)
2. وسائل الشيعة؛ ج‏1؛ ص 57 [↑](#footnote-ref-2)
3. - الكافي 2- 294- 6 و الكافي 296- 15 أورد قطعة منه في الحديث 1 من الباب 7 من هذه الأبواب. [↑](#footnote-ref-3)
4. - القيامة 75- 14. [↑](#footnote-ref-4)
5. - في المصدر زيادة- يا أبا حفص. [↑](#footnote-ref-5)
6. - في نسخة- أن يعتذر، (منه قده). [↑](#footnote-ref-6)
7. - في المصدر- إن خيرا فخير و إن شرا فشر. [↑](#footnote-ref-7)
8. وسائل الشيعة؛ ج‏1؛ ص 65 [↑](#footnote-ref-8)
9. . قیامت/ 13. [↑](#footnote-ref-9)
10. . طارق/ 9. [↑](#footnote-ref-10)
11. . بحار الأنوار (ط - بيروت)، ج‏72، ص: 204. [↑](#footnote-ref-11)